

مقاله

نقش زنان روستائی در تولید برنج

ارائه دهنده مقاله:

انیس بیانی

کارشناس ترویج سازمان کشاورزی مازندران

## "نقش زنان روستائی در تولید برنج"

### مقدمه ::

برنج یکی از زراعت‌های اساسی کشور بوده و تنها در استان‌های شمالی کشور (گیلان، مازندران و گرگان و گنبد) بیش از ۴۹۵ هزار هکتار اراضی قابل کشت به برنج اختصاص یافته است که زنان و مردان بیشماری به امید کسب این قوت تلاش مینمایند و این درحالیست که خانواده‌های روستائی و برنجکاران شهرنشین تا عمین برنج را بعنوان آذوقه سالانه تا عمین نیمی از هزینه‌های زندگی خود می‌دانند. با چنین تفکری زنان بر اساس عرف که خود منبع است از نیازهای زیستی است در تولید سهم بدون منظور و محاسبه دارند.

گرچه در زمینه‌های تولیدی دیگر چون صنایع دستی، پرورش دام و طیور بطریقه سنتی و پرورش کرم ابریشم فعالیت مینمایند اما به سبب گردش چرخ معیشتی حول محور کشاورزی در منطقه نقش عمده آنان در این بخش متجلی است که با فراگیر بودن کشت برنج عمده تلاش در این زراعت صورت گرفته و از مهارت کافی برخوردارند.

بررسی نشان میدهد:

دریک جامعه آماری ۷۵ نفره روستاهای نیک‌آب شهرهای مازندران دارای

میانگین سطح زیرکشت ۱/۲ هکتار ۸۰٪ از عملیات نشاء زن و مرد در کنار  
یکدیگر و ۱۶٪ زنان و فقط ۴٪ توسط مردان انجام میگیرد و در بررسی دیگران  
شهرستانهای مازندران از دوروستا با جمعیت ۲۷۰۰ نفر که ۱۴۹ نفر آنان را زنان  
با سنین تا پنجاه سال تشکیل میدادند ۶۰٪ از کل فعالیتهای تولیدی برنج  
از قبیل آماده نمودن بذر جهت تولید نشاء، نشاء، درو، و خرمنکوبی و فروش  
برنج بوسیله آنان صورت میگیرد و در گیلان نیز زنان در تولید برنج نقش فعال  
۸۰-۷۰٪ داشته و در بقیه استانهای برنج خیز کشور نقش آنان قابل ملاحظه  
است.

معهدا زنان روستایی و برنجکاران از حداقل امکانات زیستی برخوردار  
بوده که نیاز مبرم به جامع نگری در امور رفاهی جهت این فعالان خاموش که جای  
پای آشکار در همه زوایای کشاورزی و اقتصاد روستا دارند مییابد.

### اشکال مشارکت زنان روستائی در تولید پرنج:

باتوجه به وضعیت مالکیت اراضی توسط روستائیان

۱- ۱۰٪ از برنجکاران صاحب قطعات نسبتاً "بزرگ" بوده و زنان نقش تهیه

و تدارک غذا و احتمالاً "حمل آن به مزرعه" داشته و در شالیزاری فعالیت نمی‌نمایند.

۲- ۳۰٪ از برنجکاران صاحب قطعات ۱-۲ هکتاری بوده و زنان منحصرراً

در اراضی متعلق به خانواده فعالیت نموده و از کار گره‌م استفاده نمی‌نمایند.

۳- ۶۰-۵۵٪ از برنجکاران صاحب زمین در قطعات کوچک بوده و یا فاقد زمین

میباشند که در قطعات متعلق بخود بکشت پرداخته و هر دو گروه برای امرار معاش

به کارگری می‌پردازند و یا عنایت به زمان محدود مراحل تولید پرنج که بسیج

نیروها را می‌طلبد نیروی کار زنان به سه گروه عمده تقسیم میشود.

۱- نیروی کمکی به اسامی یاوری در گیلان، قرضی در مازندران که بدون پرداخت وجه

انجام گرفته و بصورت کار متقابل مرسوم است.

۲- نیروی خانوادگی: که توسط افراد خانواده تا عمین میشود.

۳- نیروی کارگری: که نیروی عظیمی بوده و بصورت روز مزد در داخل روستا و یا

توسط سرکار گربسا بیر روستاها و شهرهای دور و نزدیک خصوصاً "در مرحله نشاء، وجین

و برداشت اعزام میشوند که قسمت عمده هزینه‌های زندگی این گروه از دریافت

دستمزد حاصله میباشد.

### اشارات مکانیزاسیون بر فعالیت زنان روستائی در تولید بروج:

باراهیبی تکنولوژی نوین در زراعت بروج بتدریج بر سطح زیرکشت آن افزوده  
واضعوبت کار نیز گاسته شد. زیرا با به بازار آمدن علف کشها و مصرف آن در بسیاری  
از قطعات کشاورزان به یک بار و جین نمودن بسنده کرده و یادرتبديل شالی به  
برنج زنان دیگر نقشی ندارند اما ورود نشاء کار و در و گرو در فرم کامل آن کمباین  
برای زنان عکس العملهای متفاوتی در برداشته است.

استفاده از اینگونه ماشین آلات عموماً " جهت افرادی که از سطح کشت  
قابل ملاحظه ای برخوردارند بمنظور رهایی از هزینه های کارگری و یا از درگیریهای  
حاصل از نصفه کاری مقبول بوده اما برای زنانی که از زمینهای کوچک برخوردارند  
و یا فاقد زمین میباشند نگرانی میباشد که باید برای زنان شالیکار که حامل رنجهای  
تجربیات و تبخیر در این زراعت خاص در طی قرون متمادی بوده اند چاره ای  
اندیشید اما نه آنگونه که از چاله به چاه افتادن بلکه با مطالعات و کسب آگاهیهای  
لازمه از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر منطقه و بر اساس ذوق و علاقه  
آنان باشد.

بنظر میرسد در دو مرحله عملی است:

الف : درکوتاه مدت :

- ۱- تهیه یا پوش مناسب و دستکش های بلند برای زنان شالیکار تا از عوارض سوء رطوبت و مواد شیمیایی حاصل از مصرف سموم و کودها در امان باشند.
- ۲- تشکیل کلاسهای آموزشی متعدد بمنظور آشنائی آنها با اصول صحیح تغذیه ، کاهش مصرف سموم ، آموزش مسایل فنی برنج و کشت دوم و احتمالاً " سوم بعسد از برداشت برنج در شالیزارها .
- ۳- استفاده از تغذیه رایگان همانند مدارس در مناطق محروم کشور ، توسط وزارت کشاورزی خصوصاً " جهت زنان باردار و مادران شیرده مستضعف .
- ۴- ایجاد مهدکودک برای نگهداری فرزنان آنها متناسب با ساعات کار کشاورزی .
- ۵- استفاده از تسهیلات بانکی بدون وثیقه با ضمانت زنجیره ای و با بهره قرض الحسنه همانند طرح حمایت از زنان آسیب پذیر و روستاها یا طرح حضرت زینب (س) برای زنان کم زمین بمنظور بهبود وضعیت زندگی آنان .
- ۶- فعالیتهای فرهنگی جهت پذیرش کار فرمایان در پرداخت حقوق مساوی در شرایط مساوی کار با مردان توسط خواهران کارشناس ترویج و حتی با تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی ایران .
- ۷- استفاده از بیمه درمانی با فیض بردن از یارانهای لازم .

ب: در میان مدت و بلند مدت :

۱- استفاده از ماشینهای مناسب با نیروی بدنی زنان روستائی که گویا در برخی از کشورها موجود و مورد استفاده واقع میشود بمنظور بر خورداری از تسهیلات آن و دور نبودن از اطلاعات فنی. برقیاس با مردان روستائی گرچه در این صورت نیز تعدادی از نیروهای فعال را آزاد و بیکار خواهیم داشت .

۲- سوق دادن نیروهای آزاده صنایع دستی کوچک چون استفاده از گاه و گلش شالی و گندم در سدبافی ، حصیر بافی و غیره . . با ایجاد تعاونیها و بازار جذب با همکاری سازمانهای مربوطه .

۳- ایجاد صنایع کوچک روستائی تبدیلی میوه جات و لبنی با شکل انفرادی و یا گروهی .

۴- توسعه نوغانداری که خوشبختانه زمینه مساعدی برای آنها موجود بوده و با ایجاد توستانهای جدید حتی با ۲-۳ بار پرورش در سال درآمدزایی میابد با استفاده از وامها با بهره مناسب .

۵- سوق دادن آنها به صنعت فرش بافی و جاجیم بافی با همکاری سایر وزارتخانه ها و سازمانها .

۶- واگذاری انستتاریومها در مقیاس کوچک و با استفاده از امکانات بالقوه همانگونه که در برخی از کشورها موجود است با توجه به دقت و ظرافت کاری در روستاهای

اجرای طرحهای مبارزه بیولوژیکی و یا تلفیقی.

که امید است با اینگونه تمهیدات مدرسان این قشر زحمتکش و محروم جامعه

باشیم.